



ویژه نامه هفتگی سبک زندگی
و خانواده روزنامه جوان

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳ - ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۴۶

فرزند نوجوان خود را باصمیمیت و امنیت محافظت کنید

■ دکتر سیدمحسن میرطالبی، روانشناس و کارشناس تعلیم و تربیت و استناد دانشگاه سوهر تهران، در گفت و گو با «جوان» با اشاره به ارتباط سه ضلع نوجوان، خانواده و مدرسه معتقد است: دوران نوجوانی با سه ضلع ارتباطی از سوی تربیتی و آموزشی برای نوجوان بسیار اهمیت دارد. و بر صمیمیت و ایجاد امنیت در روابط والدین با فرزندان تأکید دارد و آن را عامل مراقبت و حفاظت از نوجوانان در مقابل مشکلات و بحران ها می داند. به اعتقاد وی، یکی از سنین بسیار مهم در بحث تربیتی سن نوجوانی و دوران خاص آن است که بین ۱۲ تا ۱۸ سال از راهنمایی تا پایان دبیرستان و ورود به دانشگاه محسوب می شود که معمولاً همزمان با آغاز بلوغ بوده و تغییرات روحی، شخصیتی و خلقی نوجوان را به دنبال دارد | **صفحه ۸**

آبان، هفته نوجوان و چالش های تعلیم و تربیت آینده سازان ایران

نوجوانان شیفته کدام قهرمانند؟

غفلت در معرفی قهرمانان واقعی، نوجوانان را به سمت پهلوان پنبه های مجازی کشانده است



دکتر زهرا امجسنی فر
پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان:

نوجوانان بحران نیستند
ظرفیتی برای فردای بهترند



محمدرضا نیک نژاد
کارشناس حوزه آموزش:

دانش آموزان در دانش مانده
و به مهارت نرسیده اند



حجت الاسلام دکتر سیدامیرعباس عبداللهی
جامعه شناس و استاد حوزه و دانشگاه:

صدای نوجوانان و نونهالان
از مساجد شنیده نمی شود



سید مجتبی حورایی
مشاور و کارشناس تربیتی:

گیرندهید! دوره نوجوانی
زمان کل کل کردن با فرزند نیست

استفاده از گوشی در مدارس موجب افت تحصیلی می شود

تلفن همراه دشمن کارنامه دانش آموزان است

به طور کلی، تکیه بر یک نظرسنجی خاص برای طرح ادعای بزرگی چون «گوشی های همراه بچه ها را کند ذهن تر می کند» کار بخردانه ای نیست. زمان خوبی است که متذکر شویم نمرات بی ای اس ای نزد همه کارشناسان آموزش در سراسر دنیا اعتبار ندارد. به قول معروف «هوش را با آزمون نمی سنجند» و یک آزمون استاندارد جهانی برای سنجش توانمندی دانش آموزان در کشورها، فرهنگ ها، سبک های یادگیری و زبان های مختلف ناگزیر شامل سوالاتی است که برخی توانایی ها را دست بالا و برخی دیگر را دست پایین می گیرد، اما آخرین نظرسنجی بی ای اس ای تنها مدرکی نیست که نشان می دهد گوشی های همراه در مدارس سلاح های پڑو هشی، دانش آموزانی که مشغول بر می دارند و کمتر مطالب کلاس در خاطرشان می ماند، «رفت و آمد» بین رسانه های اجتماعی و تکالیف درسی با معدل پایین ارتباط مستقیم دارد، دانش آموزانی که در کلاس ها زیاد پیام متنی می فرستند در آزمون ها ضعیف تر عمل می کنند و دانش آموزانی که در روند آزمایش ها تلفن های همراهشان را تحویل می دهند در آزمون ها نمرات بهتری می گیرند. همانطور که هایت روانشناس در آتلانتیک نوشته است، صرف حضور یک گوشی هوشمند در دیدرس ما باعث می شود تمام تمرکزمان معطوف آن شود. حتی گوشی قفل شده در جیب مان یا روی میز کارمان بی صدا فریاد می زند و حواس تکه پاره و پخش و پلا می مارا به سوی خود می کشد.

اکنون، نتایج حاصل از یک دهه تحقیقات مشاهده ای به کرات نشان داده است که بین استفاده از گوشی همراه و رضایت از زندگی، احساس شادمانی، توجه به تکالیف مدرسه، یادگیری و درس ها، یادداشت برداری در کلاس، رفت و آمد بین چند کار و پیشرفت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد. هر چه «وابستگی به دستگاه» بیشتر باشد، هزینه های شناختی و احساسی فرد هم بیشتر می شود.



چه عاملی نمرات دانش آموزان سراسر جهان را اینچنین پایین می آورد؟ گزارش بی ای اس ای به سه دلیل گوشی های همراه را مقصر اصلی دانستان می داند. دلیل اول: بی ای اس ای نتایج این آزمون به رسانه های آمریکایی می رسد، گرزی که به دست منتقدان نظام آموزشی آمریکا می افتد تا با اشاره به نمرات این آزمون بگویند که مثلاً «چرا در درک مطلب به گرد پای فنلاندی ها هم نمی رسمیم؟» یا «چرا در ریاضیات زیر پای کره ای ها له می شویم؟»

موضوع جالب تر و مهم تر اینکه نمرات این آزمون چند سال است که در حال کاهش است حتی قبل از دوره کرونا. نمرات دروس علوم و درک متن کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به ترتیب در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به اوج خود رسید. از آن زمان تاکنون، کشورهای توسعه یافته در مجموع عملکرد تحصیلی «ضعیف و ضعیف تر» داشته اند. به گزارش بی ای اس ای هیچ کشوری روند مثبت فزاینده ای را در هیچ درسی نشان نداد و بسیاری از کشورها حداقل در یک درس ضعیف و ضعیف تر شدند. حتی در کشورهایی چون فنلاند، سوئد و کره جنوبی که به عملکرد خوششان شهرت دارند، مدتی است نمرات بی ای اس ای در یک یا چند درس رو به کاهش گذاشته است.

نتایج معروف ترین آزمون سنجش تو ا نمندی دانش آموزان در جهان نشان می دهد که طی چند سال گذشته عملکرد تحصیلی دانش آموزان در کشورهای مختلف تدریجاً ضعیف و ضعیف تر شده است. برخی گمان می کردند همه گیری کرونا و شرایط نامطلوب آموزش در آن دوره باعث افت بی سابقه شده است، ولی تحقیقات اخیر نشان می دهد این سیر نزولی پیش از دوره کرونا آغاز شده است. آخرین گزارش بر نامه بین المللی ارزیابی دانش آموزان موسوم به بی ای اس ای، به سه دلیل گوشی های همراه را مقصر اصلی دانسان می داند. «درک نامیسن» روزنامه نگار و نویسنده کتاب موفق سازها با انتشار مقاله ای در وبسایت آتلانتیک به این موضوع پرداخته و وبسایت ترجمان نیز برگردان مقاله او را با ترجمه نیره احمدی منتشر کرده است: در ادامه گزیده جستارهایی از این مقاله را می خوانید.

در چند سال گذشته شاهدیم که والدین، محققان و رسانه های خبری به ارتباط بین استفاده نوجوانان از تلفن همراه و سلامت روان آنها توجه بیشتری نشان داده اند. محققانی مانند جان اتان هایت و جین تونگی نشان داده اند که تقریباً از سال ۲۰۱۲، معیارهای مختلف بهزیستی دانش آموزان در سراسر دنیای غرب کاهش چشمگیری داشته است، درست از هائی زمانی که گوشی های هوشمند و رسانه های اجتماعی به جز لاینفک زندگی نوجوانان بدل شدند. برخی حتی مطرح کرده اند استفاده از گوشی های هوشمند بسیار مایه ضرر و تباهی بوده و دستاوردهای دانش آموزان را به طور نظام مند کم و کمتر می کند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در قالب برنامه بین المللی ارزیابی دانش آموزان (موسوم به پی ای اس ای) که در ۸۰ کشور جهان اجرا می شود، هر سه سال یک بار آزمونی برگزار

گاهی اوقات آن چیزی که فرزند شما می خواهد را به سادگی در اختیارش ندهید و از او بخواهید در ازای یک تلاش انجام یک کار ارزشمند یا حتی غیر ارزشمند انتظار رسیدن به خواسته اش را داشته باشد. کاری که خودش حاضر به تلاش برای انجامش نیست را برای او انجام ندهید؛ دوم اینکه از او بخواهید مسئولیت شکست خودش بپذیرد و گردن دیگران نیندازد.

یک نکته هم بد نیست همین جا گفته شود که برخی والدین متأسفانه از روی نا آگاهی به سمتی می روند که اکثریت می روند: سنگ تمام گذاشتن برای بچه و والدین افراطی بودن. این روند امروز در شرایط جامعه ما طوری جای نیبسته. ما برای تربیت فرزندان مان اول باید خودمان را تربیت کنیم، در حالی که کمتر کسی در شرایط امروز به دنبال علم و آگاهی برای تربیت فرزند است. لزوماً همه روش های والدین قدیمی بد نبوده است و لزوماً همه روش های امروزی خوب نیست، بلکه مهم شیوه اثر گذاری درست است تا فرزندان ما درگیر امراض روحی و روانی در بزرگسالی نشوند.

چه بسا مادران امروزی از مادران دیروز به لحاظ کمی و کیفی بسیار پیشتر از نسل های دیروز و مادران ما فرصت برای تربیت فرزند خود دارند. دیروزی ها نه ماشین های لباسشویی و ظرفشویی و جارو برقی داشتند و نه مثل امروز همه چیز حاضر و آماده قابل تهیه کردن بود. امروزه سبک زندگی به مادران ما فرصت بیشتری از هر نظر می دهد. کتاب خواندن، یادکست و سخنرانی گوش دادن و کلاس های مختلف آنلاین و حضوری که برای تربیت فرزند گذاشته می شود همه و همه می تواند روش های درست تربیتی را انتقال دهد. کلاس ها و روژهایی که کمک می کند تا بدانیم کجا چه بگوییم و چه کاری انجام دهیم تا بچه ها برای فردا، محکم، قوی و مستقل با گذشت و با اخلاق باشند.



کمیود شود. با چرخیدن در فضای مجازی دنبال این هستیم که بدانیم چه چیزی بخورد تا بلکه کمی درس بخواند شاید در آینده روی پای خودش بتواند بایستد. امروزه با پدیده خانواده های کم جمعیت مواجهیم که هم زمان هم پول بیشتری دارند تا صرف یک یا دو فرزند خود کنند. شبیه به یک مسابقه که همه والدین تلاش می کنند در این مسابقه پیروز شوند. رفتن به کلاس موسیقی و زبان به بایستی نا نوشته بدل شده و کودکی که از آنها بی بهره باشد، ناموفق و طرد شده به حساب می آید؛ تحقیقات نشان داده است کودکان امروز سطح اضطراب بالاتری نسبت به نسل های پیشین دارند، همچنین به والدین خود نیز وابسته تر بوده و از زندگی رضایت کمتری دارند. والدین مدرن نیز در رابطه با فرزندان خود استرس بیش از اندازه ای را متحمل شده و احساس فرسودگی، گناه و همیشه مورد نیاز بودن آنها را از پا آورده است.

امروز با جمعی از بچه های ناز پرورده مواجه هستیم که تا سن ۱۶-۱۷ سالگی هر آنچه خواستند را گرفتند. هر شکست او گردن بقیه انداخته شده و حتی نمره های پایینش را گردن دوست ناباشش، معلمانش و مدیر مدرسه انداختیم. توجه نکردیم که پس تکلیف و مسئولیت خودش چیست؟ در واقع امروز والدینی داریم که مسئولیت های بیش از حد به عهده گرفته اند، فراتر از حد واقعی است و همین باعث شده تا در پایان والدینی را داشته باشیم خسته و از پا افتاده و بچه هایی که توانایی تلاش کردن برای خواسته خود و توانایی تحمل شکست و درس گرفتن از شکست را ندارند و مسئولیت کار خود را نمی پذیرند.

نیره ساری

«نه بابا از پس همین یکی هم بر نمی آیم چه برسه به بعدی!» «می دونی به نظرم آدم یکی داشته باشه، ولی بتونه نیازهاشو کامل بر طرف کنه»؛ «صلاً بچه های امروزی بر توقع شدن هر چی براشون بخری انگار کمه»؛ «خودمون که به هیچ جا نرسیدیم، بلکه این بچه بتونه به جایی که دوست داره برسه».

این جملات را کدام قشرها می گویند؟! دقیقاً اقشار متوسط جامعه با یک زندگی معمولی که حالا برخی مالک و مشغول قسط دادن هستند و برخی هم مستاجر، اما در فضای نسبتاً خوب و با یک ماشین مناسب قرار دارند. زندگی افراد به حدی شبیه هم شده است که اگر کسی متفاوت از این سبک و سیاق زندگی کند و فرزند داشته باشد امل و بی کلاس خوانده می شود. هیچ کس نمی تواند بگوید که پدر و مادر من در رفاه بودند یا دوران بچگی و کودکی خود را خاص توصیف کنند. دهه ۵۰ و ۶۰ هائی که امروز خودشان والدین افراطی شدند، همان افرادی هستند که والدین شان تا سال ها با پدر و مادرشان زندگی می کردند و در نهایت با تلاش و هزار قرض و قوله فروش طلا توانستند خانه دار پسر خاله، دختر عمه و پسر عمو بزرگ شدم، غرق در بازی و کودکی کردن نه نشستن پای تلویزیون و موبایل و تبلت.

بهترین مدرسه، بهترین کلاس و بهترین لباس، بهترین ماشین، بهترین سفر، بهترین خوراک و باز هم راضی نیستیم و می گویم برای بچه خودمان سنگ تمام بگذارشیم، نگرانیم دچار